

# در بیان مجازاتهای منصوصه

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



امر و خلق - جلد 3

## د - در بیان مجازاتهای منصوصه

در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ: اَيَّاكُمْ اَنْ تَاخَذَ كُمِ الرَّافَةُ فِي دِينِ اللّٰهِ اَعْلَمُوْا اَمَّا اَمْرٌ تَمُّ بِهِ مِنْ لَدُنْ مَشْفِقٍ رَحِيْمٍ اِنَّا رَبِّنَاكُمْ بِسِيَاطِ الْحِكْمَةِ وَالْاِحْكَامِ حِفْظًا لِّاَنْفُسِكُمْ و ارتفاعاً لِمَقَامَاتِكُمْ كَمَا يُرَبِّي الْاَبَاءُ اِبْنَانَهُمْ لَعَمْرِي لَوْ تَعْرِفُوْنَ مَا اَرْدْنَاكُمْ مِنْ اَوْامِرِنَا لِمُقَدَّسَةٍ لِّتَفْدُوْنَ اَرْوَاحَكُمْ لِهُذَا الْاَمْرِ الْمُقَدَّسِ الْعَزِيْزِ الْمُنِيْعِ .

و در لوح اشراقات است قوله الاعلی: اشراق سیم اجراء حدود است چه که سبب اول است از برای حیات عالم، آسمان حکمت الهی به دو نیر روشن و منیر مشورت و شفقت و خیمه نظم عالم به دو ستون برپا مجازات و مکافات .

و از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است قوله العزیز: هیئت اجتماعیّه حق قصاص را از مجرم دارند و این قصاص بجهت ردع و منع است تا شخص دیگر متجاسر بر آن جرم نشود و این قصاص مدافعه از حقوق بشر است ... اگر مجرمین بکلی معاف باشند نظم عالم بهم خورد لهذا قصاص از لوازم ضروریّه هیئت اجتماعیّه است ولی شخص مظلوم متعدی علیه حق انتقام ندارد بلکه عفو و سماح لازم و این سزاوار عالم انسان است اما هیئت اجتماعیّه باید ظالم و قاتل و ضارب را قصاص نماید تا ردع و منع حاصل گردد که دیگران متجاسر بجرم نشوند ولی اصل این است که باید نفوس را چنان تربیت نمود که جرم واقع نگردد ... اما هیئت اجتماعیّه حق محافظه و حق مدافعه دارد زیرا هیئت اجتماعیّه بغضی ندارد عداوتی به قاتل ندارد اما مجرد بجهت حفظ دیگران قاتل را حبس کند یا قصاص نماید که دیگران محفوظ مانند نه مقصد انتقام از اوست مقصود قصاص است که بآن قصاص هیئت اجتماعیّه محفوظ ماند و الا وارث مقتول عفو کند و هیئت اجتماعیّه عفو نماید و از دو جهت



ORIGINAL

بالعکس معامله شود نفوس ستمکار متصل تعدی کنند و در هر آنی قتل واقع گردد بلکه نفوسی درنده مانند گرگ اغنام الهی را محو نمایند هیئت اجتماعی نیت بد در قصاص ندارد غرض ندارد تشریفی صدر نخواهد بلکه مقصدش از قصاص محافظه دیگران است که دیگری مرتکب این امر قبیح نشود... باری قوام هیئت اجتماعی بعدل است نه عفو... یک چیز دیگر باقی ماند و آن این است که هیئت اجتماعی همواره شب و روز بترتیب قوانین مجازات و تهبه و تدارک آلات و ادوات قصاص پردازند زندان مهیا کنند و کند و زنجیر تدارک نمایند و محل نفی و سرگون و زجر و مشقت گوناگون ترتیب دهند تا باین وسائط اصحاب جرم را تربیت نمایند و حال آنکه این وسائط سبب تضییع اخلاق گردد و تبدیل احوال بلکه هیئت اجتماعی باید شب و روز بکوشد و منتهای همت را بگارد که نفوس تربیت شوند و روز بروز ترقی کنند و در علوم و معارف توسعه یابند و کسب فضائل نمایند و تحصیل آداب کنند و از درندگی اجتناب نمایند تا جرم واقع نشود و حال بالعکس هیئت اجتماعی همیشه در فکر آنند که قوانین مجازات را محکم نمایند و اسباب قصاص مهیا سازند آلات قتل و جرح و محل حبس و نفی تدارک کنند منتظر وقوع جرم شوند این بسیار سوء تأثیر نماید اما اگر در تربیت عموم کوشد تا روز بروز معارف و علوم زیاد شود ادراکات تزايد نماید احساسات ترقی کند اخلاق تعدیل شود عادات تحسین گردد خلاصه در جمیع مراتب کمالات ترقی حاصل گردد وقوع جرم کم شود... پس هیئت اجتماعی باید در فکر این باشد که جرم واقع نشود نه در فکر این باشد که اجرام را باید مجازات شدید نمود و قصاص صارم مجری داشت .

و قوله الجلیل : اما الهیون برآند که حسن و قبح اشیاء معقول است و مشروع بناءً علیه ممنوعیت قتل و سرقت و خیانت و کذب و نفاق و ظلم معقول است هر عقلی این را ادراک میکند که قتل ، سرقت ، خیانت ، کذب ، نفاق ، ظلم کل قبیح و مذوم است... و چون ارتکاب نماید مؤاخذ است خواه صیت نبوت باو برسد خواه نرسد .